ادامه از صفحه ۳

توافق با ایران فرصتی است که تنها یک بار پیش می‌آید

ما قادر خواهیم بود تا تمام آنچه آنان انجام می‌دهند را مورد بررسی قرار دهیم درواقع، در صورتی که آنان بخواهند برنامه مخفیانه‌ای را آغاز کنند تا از طریق آن بمب هسته‌ای تولید کنند باید یک زنجیره هسته‌ای و تامین سوخت مجزا را ایجاد کنند. این در مورد نکته نخست مطرح‌شده از سوی شما. در مورد دوم، ما در عمل در حال حرکت به سمت ایجاد کمیته تدارکاتی هستیم که آنچه به ایران وارد می‌شود را مورد ارزیابی قرار دهد. علاوه‌بر آن این کمیته می‌تواند آن چیزهایی که ادعا می‌شود استفاده دوگانه دارند و می‌توانند هم برای مصارف صلح‌آمیز و هم برای ساخت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرند را نیز مورد بررسی قرار دهند و واردات آن به ایران را ارزیابی کنند. در مورد موضوع سوم، ما در حال حرکت به سوی ایجاد یک سازوکار موثر هستیم. بله، طبق توافق، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌توانند به هر جایی که می‌خواهند بروند.

هر جایی در ایران؟

هر آنجایی که ما نسبت به فعالیت‌های آن تردید داشته باشیم. آشکار است که در این زمینه باید درخواستی به ایران ارائه شود.

ایران می‌تواند به آن درخواست اعتراض کند اما آنچه ما انجام داده‌ایم تلاش برای طراحی سازوکاری است که حق وتوی نهایی با ایران نباشد بلکه از طریق یک سازوکار بین‌المللی منصفانه و عادلانه امکان ارزیابی الزامی وجود داشته باشد تا در نتیجه آن ایران نتواند بگوید: «نه، شما نمی‌توانید به اینجا بیایید.» فراتر از اینها، آنچه ما شاهد آن هستیم نه‌تنها پروتکل الحاقی که آژانس بر کشورهایی که گمان می‌رود در گذشته برنامه هسته‌ای مشکوک داشته‌اند وضع کرده است بلکه فراتر از آن ایران تحت نظارت و بازرسی قرار خواهد گرفت و سازوکارهایی برای این موضوع تعیین شده که تا پیش از آن هرگز وجود نداشته‌اند.»

بسیاری از جمله خود من می‌خواهند مفاد توافق را ببینند. موضوع دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد هنوز حل نشده است: زمانی که تحریم‌های اقتصادی وضع‌شده علیه ایران کاملا برداشته شوند چه خواهد شد؟ چه زمانی این اقدام عملی خواهد شد؟ آیا این موضوع زمانی محقق می‌شود که ایران به تمام تعهداتش عمل کند؟

هنوز مسایلی هستند که باید مورد بررسی قرار گیرند بااین‌حال، من فکر می‌کنم چارچوب اساسی ایران را فرا می‌خواند تا گام‌های ضروری را درباره موضوع تاسیسات غنی‌سازی فردو، سانتریفیوژها و سایر موارد بردارد. در این نقطه خواهد بود که تحریم‌های سازمان‌ملل متحد به حالت تعلیق درخواهند آمد اگرچه تحریم‌های مرتبط با موشک‌های «بالستیک» و «سگترش» سلاح‌های هسته‌ای بر سر جای خود باقی خواهند ماند. در این مرحله، ما قادر خواهیم بود قابلیت بازگشت تحریم‌ها را حفظ کنیم. این موضوع در زمانی انجام خواهد شد که ایران تعهداتش را نقض کند. اگرچه به‌غیر از مسئله موشک‌های بالستیک و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ایران می‌تواند از زیر بار تحریم‌ها خارج شود اما باید این موضوع را درک کرد که نظارت دائمی بر فعالیت‌های ایران وجود خواهد داشت و در صورتی که آن کشور تعهدات خود را نقض کند احتمال وضع تحریم‌های مشابه وجود خواهد داشت. هنوز هم تحریم‌های آمریکا در رابطه با رفتار ایران در مورد مسئله تروریسم و نقض حقوق بشر وجود دارند. تحریم‌هایی وجود دارند که بر سر جای خود باقی خواهند، ماند چراکه مرتبط با برنامه هسته‌ای نیستند و به نظرم این نکته‌ای کلیدی است که به‌طور مداوم وجود خواهد داشت. در صورتی که ما بتوانیم توافق هسته‌ای را نهایی کنیم و در صورتی که ایران مفاد آن را انجام دهد ما معامله بزرگی را انجام داده‌ایم. با این حال این موضوع سبب نمی‌شود تا مشکلات ما با ایران تمام شود و ما پس از آن نیز به همکاری با دوستان و متحدان‌مان برای کاهش‌دادن مداخلات ایران ادامه خواهیم داد تا مانع از مداخله‌جویی‌ها و فعالیت‌های بی‌ثبات سازنده منطقه توسط آن کشور شویم. این موضوع زمان‌بر است. با این‌حال، این باور شخصی من است، ما در صورتی که مسئله هسته‌ای در سید مسایل مطرح‌شده قرار گیرد در موضع قوی‌تری قرار خواهیم داشت. در صورتی که بتوانیم این اقدام را عملی کنیم ایران می‌تواند از لغو تحریم‌ها بهره‌مند شود و بر اقتصاد و وضعیت معیشتی مردمانش تمرکز کند. پس از آن سرمایه‌گذاری‌ها آغاز می‌شود و درهای آن کشور شروع به بازشدن می‌کند. در صورتی که ما اقدامات موثری را در راستای تقویت همکاری‌های دفاعی و امنیتی با دولت‌های سنی انجام دهیم و در صورتی که بتوانیم به اسرائیلی‌ها اطمینان دهیم که نه‌تنها با قابلیت‌های‌مان بلکه براساس تعهدات‌مان از آنان حفاظت می‌کنیم آن زمان است که توازن در منطقه آغاز خواهد شد؛ توازن قوا میان سنی و شیعه، سعودی‌ها و ایران. در آن زمان احتمالا تنش‌های کمتری را شاهد خواهیم بود و می‌توانیم بر مقابله با افراط‌گرایانی هم چون داعش تمرکز کنیم که در صورتی که توانش را داشته باشند، می‌توانند کل منطقه را نابود کنند.

ادامه در صفحه ۸

عبدالله ناصری در گفت‌وگو با «شرق»:

صداوسیما در پوشش مذاکرات، منفعل است

حامد طبیبی

صدای نقد فعالان سیاسی به عملکرد رسانه دولتی ایران که بودجه‌ای قابل‌توجه در اختیار دارد، همچنان شنیده می‌شود. صداوسیما در بخش‌های مختلف نتوانسته کارکردهای حرفه‌ای یک رسانه در این ابعاد را ایفا کند و این مسئله در حوزه سیاسی و حتی موضوعات ملی سیاست خارجی، خود را به خوبی نشان می‌دهد. عبدالله ناصری از اساتید دانشگاه و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، کارشناس باسابقه رسانه نیز به‌شمار می‌رود. حضور در مدیریت میانی صداوسیما در سال‌های ۶۰ تا ۶۳ و همچنین مدیرعاملی خبرگزاری جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات در کنار سایر فعالیت‌های روزنامه‌نگاری او، هر دو حوزه سیاست و رسانه را برای او تجربه‌شده ساخته است. این فعال سیاسی در گفت‌وگو با «شرق»، به دلایل کاستی‌های صداوسیما در حوزه‌های مختلف به‌ویژه دیپلماسی عمومی پرداخت که در ادامه می‌آید.

عکس: مهدی حسنی

از رسانه‌ها به عنوان بازوی دیپلماسی عمومی و حوزه سیاست یاد می‌شود. چقدر در بزنگاه‌های سیاسی و دیپلماتیک، این ظرفیت در ایران از سوی شبکه‌های رسمی سیما مورد استفاده قرار گرفته است؟

ما در ایران در حوزه رسانه‌های تصویری، شرایط منحصر به فردی داریم به این عبارت که رسانه تاثیرگذار تصویری ما انحصاری است و به علت نداشتن رقیب، معمولا در چارچوب منویات خود عمل می‌کند. به سبب گرایش سیاسی خاص، گاهی نیز با برخی بخش‌ها رقابت می‌کند و مشخصا امروز با دستگاه اجرایی، زاویه دارد. بارزترین وجه این شیوه در دوران اصلاحات و سپس در یک‌سال‌ونیم دولت دکتر روحانی که رویکرد اصلاح‌طلبانه دارد دیده می‌شود. تا این شرایط تغییر نکند اساسا نمی‌توان درباره آن ارزیابی خاصی ارائه داد. واقعیت این است که این رسانه در زمینه کارکرد دیپلماسی عمومی که خیلی موثرتر از دیپلماسی رسمی است، سیاست روشن و برنامه مدونی ندارد. دلیل آن هم روشن است. تنها زمانی این مسئله می‌تواند کارگر افتد که دیپلماسی عمومی ما با کارگزار دیپلماسی رسمی که وزارت خارجه است همسو باشد. وقتی نه‌تنها چنین اتفاقی نمی‌افتد بلکه نقش متفاوتی را از ناحیه صداوسیما شاهد هستیم، این رسانه همانند پوشش مذاکرات اخیر هسته‌ای منفعل عمل می‌کند و بعد از اعلام بیانیه سوئیس، زیرکانه آنچه حاصل زحمات شبانه‌روزی یک‌سال‌ونیم گذشته تیم هسته‌ای بود را کم‌رونق جلوه می‌دهد.

چرا در شبکه‌های صداوسیما که برون‌مرزی هستند، در مقاطع مهم برنامه‌های عادی قطع نمی‌شود و شکل‌گیری برنامه‌های ویژه با حضور کارشناسان حتی همسو با گرایش سیاسی آن رسانه دنبال نمی‌شود؟ مثلا شبکه خبر رویه‌ای که در سه‌ساعت‌ونیم قبل و بعد از قرائت بیانیه دنبال کرد را ادامه نمی‌دهد؟

رسانه صداوسیما در دو دهه اخیر در قامت رسانه‌ای عمل کرده که جهت‌گیری سیاسی به سود گروهی مشخص داشته است اما گاهی به دلیل تذکرات رسمی یا فشار شدید افکار عمومی در رسانه‌های مستقل و فضای مجازی، به صورت مقطعی ظاهری متفاوت گرفته است تا شاید رضایت افکارعمومی جلب شود. صورت‌مسئله مشخص است؛ تا زمانی که این رسانه نتواند واقعیت را بپذیرد و اصل بی‌طرفی که مهم‌ترین شناسه رسانه- چه مکتوب و تصویری- است رعایت نشود، این کارهای مقطعی هم در میان‌مدت کارکرد خود را از دست می‌دهد و دوباره گرایش مردم به رسانه‌های برون‌مرزی یا رسانه‌های مستقل در فضای مجازی یا مکتوب افزایش می‌یابد.

راهکاری برای چنین رویکردی پیشنهاد می‌کنید؟

خبرگزاری رسمی کشور پس از ورود رقبایی در قامت خبرگزاری، کمی خود را ارتقا داد و روزنامه‌ها نیز با موج ورود رسانه‌های مستقل خصوصی در اواسط دهه ۷۰ و به‌ویژه دوران اصلاحات، کیفیت خود را ارتقا دادند. صداوسیما هم نیازمند رقیب است؛ امروز ریاست این سازمان قدرت مانور بسیار زیادی دارد، هرچند معاونت سیاسی و بخش اخبار، شرایطی متفاوت دارد. باید در حوزه سیاست‌گذاری خبری برای چارچوبی مشخص برنامه‌ریزی کرد تا در یک روند مشخص، سطح برنامه‌ها و کار رسانه‌ای صداوسیما تغییر کند. وقتی رقیبی وجود ندارد، این رسانه در چارچوب نظرات جناحی عمل می‌کند و آنچه دولت روحانی در همه عرصه‌ها به‌ویژه مذاکرات هسته‌ای با زحمات طولانی به دست آورده را نه‌تنها «دستاورد» نشان نمی‌دهد، بلکه منفعلانه یا به صورت تکه‌تکه تصمیماتی می‌گیرند که فاقد توضیح رسانه‌ای است و کارکردهای دیگری دارد.

برخی معتقدند به دلیل واردنشدن بخش خصوصی خلاق به حوزه شبکه‌های ماهواره‌ای، اساسا شبکه‌های رسمی نمی‌توانند کارکرد آنها را داشته باشند، اما برخی دیگر می‌گویند همین ظرفیت‌های موجود در بخش برون‌مرزی سیما و شبکه خبر اگر به شکل حرفه‌ای در اختیار همه تفکرات قرار گیرد می‌تواند اثرگذار باشد؟

بخش خصوصی که بعید است امکان ورود پیدا کند، مگر اینکه به طور قانونمند در بخشی از اصول قانون اساسی بازنگری صورت گیرد، اما همان‌طور که گفتم حتی با همین قانون اساسی می‌توان به تنوع‌پذیری آن اقدام کرد و این تعداد شبکه‌ها و ساختارهای سازمانی را تقسیم کرد. الان یک آقای سرافراز در صداوسیما رئیس است و آن موقع هفت آقای سرافراز با هفت شیوه مختلف به فعالیت مشغول خواهد شد. اگر همین حد هم رقابت ایجاد شود گام بلندی برداشته خواهد شد چون هرکس می‌خواهد جلوه بهتری از شبکه زیر نظر خود نشان دهد. نکته مورد اشاره شما نیز کاملا عملیاتی است یعنی اگر در همین وضعیت صداوسیما از شیوه مرسوم خود دست بردارد می‌توان امیدهایی داشت. دو دهه است در این رسانه، برخی افراد امکان حضور در برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و حتی علمی و آکادمیک را ندارند و آمدن چنین کارشناسانی حتما فضا را عوض می‌کند.

> **در شرایطی که پنج روز از این پیروزی در سطح جهانی می‌گذرد از نظر من به‌عنوان کارشناس سیاسی و رسانه‌ای، صدا وسیما در حد و قواره رسانه‌های جناحی کشور عمل کرده و وقتی برنامه‌های شبکه‌های مختلف آن را مانیتور می‌کنیم یک پیام از آنها مخابره می‌شود که همه آنچه در لوزان صورت گرفت دستاورد نبود**

برنامه شبکه خبر در هنگام قرائت بیانیه، تا حدی قابل قبول بود و برای اولین‌بار بخش عمده سخنرانی اوباما پوشش داده شده و به‌شیوه معمول رسانه‌ها، کارشناسانی روی خط آمدند. در همین حال در ترجمه سخنان خانم موگرینی در همان برنامه و بخش‌های خبری شبکه‌های دیگر، فضا به‌گونه‌ای بود که گلایه تیم هسته‌ای را به‌همراه داشت. دلیل این تناقض‌ها چیست؟

به‌طورطبیعی برای موضوع مهمی مثل مذاکرات هسته‌ای که سرنوشت و همه امید جامعه را به خود جلب کرده است و عکس‌العمل اجتماعی و شادی مردم نشان از توجه ویژه به آن دارد باید متخصصان امر دیپلماسی با تنوع فکری مختلف و با اجازه اظهارنظرهای متنوع و گوناگون به این رسانه دعوت شوند. در شرایطی که پنج روز از این پیروزی در سطح جهانی می‌گذرد از نظر من به‌عنوان کارشناس سیاسی و رسانه‌ای، این رسانه در حد و قواره رسانه‌های جناحی کشور عمل کرده و وقتی برنامه‌های شبکه‌های مختلف آن را مانیتور می‌کنیم یک پیام از آنها مخابره می‌شود که همه آنچه در لوزان صورت گرفت دستاورد نبود در صورتی‌که جامعه جهانی معتقد است این تفاهم کلی برای ایران و غرب یک دستاورد بوده و بزرگ‌ترین ضررکننده آن شخص نتانیاهو و رژیم اشغالگر قدس به شمار می‌رود.

به دلیل واقع‌شدن مذاکرات سوئیس در ایام نوروز، جای مطبوعات و تحلیل‌های مستقل کارشناسان خالی بود. چقدر مطبوعات مستقل در ایران می‌توانند خلأ صداوسیما را پوشش دهند؟ یعنی در جهان، به‌جای استناد به فلان شبکه خبری، به مطالب روزنامه‌های مستقل استناد می‌شود؟

حتما این‌طور است و ما در مسائل مختلف داخلی مثل انتخابات به‌ویژه سال ۹۲، این را دیدیم که رسانه‌های بزرگ جهانی در مسائل ملی ما به رسانه‌های مکتوب و روزنامه‌های مستقل ما استناد می‌کنند. به نظرم روزنامه‌نگاران و رسانه‌های مستقل مجازی می‌توانند این دو هفته تعطیلی و خلأ ارائه تحلیل به جامعه را جبران کنند. بیانیه سوئیس، مقدمه توافق برنامه جامع اقدام مشترک خواهد بود و من به‌عنوان کارشناسی کوچک در این حوزه به دوستان و روزنامه‌نگاران مستقل اعلام می‌کنم این چهارماه بسیار هوشمندانه نسبت به ادامه کار تیم مذاکره‌کننده عمل کنند و البته مراقب باشند، چراکه ممکن است تدابیری از سوی برخی محافل رسانه‌ای تندرو دیده شده باشد که فضاهای جدیدی ایجاد کنند و ما را از مسئله هسته‌ای و آگاهی‌دادن به مردم غافل کنند.

آیا دولت و مثلا رئیس‌جمهور این امکان را نداشت که با دیپلماسی رسمی به حوزه رسانه ورود کند؟ مثلا بلافاصله دو نشست خبری یا اگر دسترسی به خبرنگاران نبود حداقل دو گفت‌وگوی تلویزیونی آماده می‌شد. چرا دولت‌ها به این حوزه هم جدی نمی‌نگرند؟

علت این است که بارها عرض کردم دولت از نظر سیاست‌گذاری رسانه‌ای و اثرگذاری افکارعمومی فاقد «ستاد» است. آقای ظریف چون در خارج از کشور و در لوزان در متن توجه همه رسانه‌های جهان قرار گرفت به محض ورود به کشور مورد استقبال قرار گرفت. رئیس‌جمهور می‌توانست همان کاری که اوباما بلافاصله پس از قرائت بیانیه سوئیس انجام داد را با کیفیت بهتر انجام داده و موج شیطنت‌هایی که رژیم اسرائیل و کشورهای عربی به راه انداخته بودند را خنثی کند. اشکال کار ما این است که همیشه با تأخیر به این مسئله ورود می‌کنیم، چون گروهی که باید در نهاد ریاست‌جمهوری این حوزه را رصد کنند و در حوزه ستادی سریعا تصمیم بگیرند، وجود ندارد. خبرگزاری رسمی دولت و روزنامه دولت هم دراین‌زمینه کارایی لازم را ندارد.

دریچه

دستور مصلحانه رهبر انقلاب

● علی مطهری در نامه‌ای کوتاه با عنوان دستور مصلحانه رهبر انقلاب، نوشت: «در ایام تعطیلات نوروز خبری در برخی رسانه‌ها منتشر شد مبنی‌بر اینکه رهبر انقلاب در جریان سفر به مشهد زمانی‌که میهماندار هواپیما در خوشامدگویی ابتدایی به مسافران گفته است «و با آرزوی سلامتی برای رهبرمعظم‌انقلاب»، دستور دادند این جمله از متن خوشامدگویی پروازهای شرکت‌های هواپیمایی حذف شود. این دستور نشان می‌دهد که ایشان با هر کاری که شائبه تملق و چاپلوسی داشته باشد، مخالفند و اقدام برخی کارگزاران حکومت که بی‌مناسبت از نام مقام‌معظم‌رهبری استفاده می‌کنند یا به تعریف و تمجید می‌پردازند، مورد رضایت ایشان نیست. بدیهی است آرزوی سلامتی برای مقام‌معظم‌رهبری در مواقعی که زمینه استجابت دعا فراهم‌تر است، مانند شب‌های احیاء، کاری قابل‌قبول و ستودنی است، اما اینکه در ابتدای هر پروازی یا در ابتدای نطق هر نماینده‌ای، آرزوی سلامتی برای مقام‌معظم‌رهبری شود، گذشته از مسئله تملق، لوث‌کردن موضوع است، چراکه در این مواقع اساسا ذهن‌ها متوجه این موضوع نیست.»

به‌گفته این نماینده مجلس «جالب است که اینجانب حدود یک‌سال پیش همین موضوع بی‌مناسبت‌بودن «آرزوی سلامتی برای مقام‌معظم‌رهبری» در ابتدای پروازها را با وزیر راه‌وشهرسازی مطرح کردم و خواستار حذف آن شدم. آن‌طور که به یاد دارم ایشان گفت از دست من خارج است. همین‌طور چندماه پیش، این موضوع و نیز بی‌مناسبت‌بودن نصب عکس رهبرانقلاب در قسمت جلوی هواپیما را به مدیرعامل یکی از شرکت‌های هواپیمایی به‌صورت پیغام گوشزد کردم، ولی اقدامی ندیدم. این زشت است که این کارها را که شائبه تملق و چاپلوسی دارد، آن‌قدر ادامه دهیم تا خود مقام‌معظم‌رهبری دستور لغو آن را صادر کنند. گویی قبل از اینکه ایشان بگویند خودمان بی‌مناسبت‌بودن و عدم‌ضرورت و آثار منفی آن را درک نمی‌کردیم. قطعا بازهم ازاین‌دست کارها وجود دارد که باید کنار بگذاریم و کاسه‌های داغ‌تر از آش نباشیم. نگرانم برخی افرادی که ادعای ولایت‌مداری آنها گوش فلک را کر کرده و البته در عمل ضربه می‌زنند، مقام‌معظم‌رهبری را نیز به‌دلیل این دستورشان، متهم به ضدیت با ولایت‌فقیه کنند. این‌گونه دستورها موجب اصلاح جامعه است و باید این دستور را دستوری مصلحانه نامید. به‌هرحال از رهبرگرامی‌انقلاب به‌خاطر توجه به این موضوع و صدور دستور مناسب، صمیمانه سپاسگزارم.»

«توافق» به‌مثابه مشی اعتدال‌گرایی

سلیمان پاک‌سرشت . استاد دانشگاه همدان

یکی از ویژگی‌های تحولات سیاسی در ایران دودهه اخیر آن است که در غیاب سنت‌های ریشه‌دار و سازمان‌یافته فعالیت‌های حزبی، نقش مفاهیم گفتمانی در جلب اقبال عمومی به برنامه‌های تغییر سیاسی بسیار چشمگیر است؛ مفاهیمی که حتی هنگامی که به‌عنوان رمز اصلی برنامه سیاسی یک‌کاندیدا در اوج پذیرش عمومی هستند و محملی برای تبدیل او به رییس‌جمهور می‌شوند، شدیدا گنگ، نامفهوم و تحویل‌پذیرند. خاصیت اصلی این مفاهیم که ترجیح می‌دهم آنها را فعلا ساده بنامم آن است که در بزنگاه‌های سیاسی و به‌ویژه ایام انتخابات، شدیدا در بسیج آرای عمومی کارآمد عمل می‌کنند، چرا که می‌توانند در تداوم و پیوستگی با نظم مستقر سیاسی البته به شیوه سلبی و در مقام ضدیت با آن محملی برای بسیج منتقدان شوند. درواقع اگر این مفاهیم از هویت گفتمانی در یک دوره سیاسی مشخص برخوردار می‌شوند به مدد بخت پیروز است و پس از آن کفایت خود را در بزنگاه انتخابات نشان داده و در ادامه تنها می‌توانند به مثابه کلمه رمزی برای همگرایی طرفداران دولت پیروز در مصاف با منتقدان، خوب عمل کنند. اما به مرور همین مفاهیم به دام‌هایی اساسی برای نظم سیاسی پیروز تبدیل می‌شوند، چرا که با گذشت عمر سلبی این مفاهیم، عمر ایجابی آنها شروع می‌شود و تازه ابهام، نقصان و حتی بی‌کفایتی آنها برای تعیین یک برنامه تغییر منسجم روشن می‌شود. این‌گونه است که مورد تعابیر، تعاریف و تفاسیر مختلف قرار گرفته و با پیشوند و پسوندهای مختلف همراه شده و دست آخر نیز به جدی‌ترین معیار ناکارآمدی همان دولتی تبدیل می‌شوند که روزی ردای پیروزی برتنش کرده بودند. اگر بدون پیش‌داوری و از این منظر ترمینولوژی سیاسی دو دهه اخیر را مرور کنیم، آنچه اشاره شد را در سرنوشت مشترک مفاهیمی چون سازندگی، اصلاحات، جامعه مدنی، عدالت، مهرورزی و... می‌توانیم ببینیم.

دولت یازدهم در تداوم همین سیر مفهوم-بنیاد تحولات سیاسی با اتکا بر مفهوم اعتدال موفق به جلب آرای عمومی شد. به مانند اسلاف مفاهیم گفتمانی خود، اعتدال نیز تا چند ماه بعد از انتخابات خرداد۱۳۹۲ در بازنمایی تناقضات و مسایل نظم سیاسی ترجیحی اصولگرایان که به دست احمدی‌نژاد و در چارچوب دولت نهم و دهم پیاده شد، موفق عمل می‌کرد. به عادت مالوف در دولت‌های گذشته، طی یک‌سال اول استقرار دولت یازدهم تلاش‌هایی برای تعریف و تعیین جغرافیای این مفهوم صورت گرفت که بیشتر بر فهم سلبی آن متکی بود.

> **توافق اخیر بین هیات مذاکره‌کننده ایرانی و کشورهای ۱+۵ که درنتیجه دوسال تلاش بی‌وقفه و باوجود کارشکنی‌های داخلی و خارجی حاصل شد، فرصت ممتازی را دراختیار دولت یازدهم قرار داده است تا از گفت‌وگو و دیالوگ به‌عنوان مشی اعتدال‌گرایی دفاع کرده و آن را در امور داخلی به‌کار بندد**

با توجه به قرابت کمتر این مفهوم با مرام‌های سیاسی شناسنامه‌دار و در نتیجه ظرفیت گفتمانی اندک آن، نتیجه تلاش‌ها برای تعریف ایجابی آن هنوز رضایت‌بخش نیست و برخی برای تقلیل این ظرفیت گفتمانی کوشیده‌اند آن را به دریافت‌هایی که آن را پیوست گرایش‌های سیاسی رایج می‌کند، تقلیل دهند. تداوم چنین وضعیتی احتمالا مفهوم اعتدال را به دامی برای اعتدال‌گرایان تبدیل کرده و آنها را با خلأ تئوریک در توجیه مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی مواجه خواهد کرد که به نام اعتدال‌گرایی در پیش گرفته‌اند و خواهند گرفت.

برای پرهیز از این خلأ تئوریک لازم است به‌روشنی معیارهایی برای تعریف ایجابی سیاست‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات اعتدال‌گرایانه از حیث هدف و روش، شناسایی شود. دراین‌بین گفت‌وگو و دیالوگ به‌عنوان مفهومی که طی دوسال اخیر به کرات مورد تاکید ریاست محترم جمهوری قرار گرفته است، از ظرفیت بالایی برای معرفی به‌عنوان هدف و روش اعتدال‌گرایی برخوردار است. گفت‌وگو به‌عنوان یک ابزار ارتباطی و شکلی از کنش اجتماعی و سیاسی موثر در تحول آگاهی و خلق فرهنگ، مورد توجه فیلسوفان و عالمان زیادی قرار گرفته است. با وجود این، به دلایل متعددی که بیان آنها در مجال نوشتار حاضر نمی‌گنجد، در مصاف با سایر روش‌های حل مساله، در فرهنگ و عادات رفتاری ما ایرانیان، چه به‌عنوان شهروندان عادی و چه مدیران سیاسی، جایگاهی شایسته ندارد. توافق اخیر بین هیات مذاکره‌کننده ایرانی و کشورهای ۱+۵ که درنتیجه دوسال تلاش بی‌وقفه و باوجود کارشکنی‌های داخلی و خارجی حاصل شد، فرصت ممتازی را دراختیار دولت یازدهم قرار داده است تا از گفت‌وگو و دیالوگ به‌عنوان مشی اعتدال‌گرایی دفاع کرده و آن را در امور داخلی به‌کار بندد. اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها براساس مشاوره عمومی و جلب آرای نخبگان، برقراری امکان گفت‌وگو بین صاحب‌نظران و نخبگان دانشگاهی با دولت‌مردان، مدیریت و اجرای اقدامات توسعه‌ای براساس مداخله و مذاکره با همه گروه‌های ذی‌نفع و تصمیم‌گیری، مدیریت مشارکتی و تاکیدبر سیاست‌های آموزشی مبتنی‌بر تعامل و گفت‌وگو و توسعه فضای باز سیاسی در کشور، وجوه مختلف پیروی از گفت‌وگو به‌عنوان مشی اعتدال‌گرایی است. بی‌شک سرمایه‌گذاری در معرفی و تقویت روش گفت‌وگو به‌مثابه مشی اعتدال‌گرایانه انجام امور در کشور و یک فرایند اجتماعی و سیاسی سودمند و موفق، مسیر را برای بازگشت گرایش‌های پوپولیستی در مدیریت سیاسی کشور دشوار خواهد کرد.

شهرداری کرج
سازمان پارکها و فضای سبز

آگهی تجدید مناقصه عمومی

کد آگهی ۱۵۵-۹۳

سازمان پارکها و فضای سبزشهرداری کرج در نظر دارد نسبت به اجرای عملیات احیاء ولایروبی چاه های فضای سبزمناطق دوازدهگانه وحاشیه شهر به مبلغ اولیه ۲۲/۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ریال از کلیه اشخاص حقوقی(شرکتهای واجدصلاحیت)اقدام نماید. ازمتقاضیان شرکت در مناقصه دعوت میگرددازتاریخ چاپ وانتشارآگهی تجدید مناقصه حداکثر بمدت ۱۰روزکاری به نشانی استان البرز-کرج- عظیمیه-ضلع شمالی میدان استقلال -سازمان پارکها-طبقه همکف -دفتر امورپیمانها مراجعه ویا باشماره تلفن۳۲۵۴۰۳۰۳-۰۲۶تماس حاصل نمایند.

الف- شرایط متقاضی :محتوی خلاصه سوابق کاری (کلیه قراردادهای منعقده)متقاضی مرتبط باموضوع مناقصه-اساسنامه شرکت-کداقتصادی-ارزش‌افزوده-آگهی تاسیس -آخرین تغییرات (روزنامه رسمی)و سایرمدارک ثبتی-دارابودن گواهی صلاحیت حفاری چاههای عمیق و نیمه عمیق از وزارت نیرو -دارابودن گواهی رتبه حداقل پایه ۵کاوش های زمینی از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری -دارابودن ظرفیت کاری خالی -ارائه اسناد مالکیت شرکت نسبت به دستگاههای حفاری از نوع ضربه ای ودورانی وهوا کف(ضربه ای دورانی)-ارائه حداقل سه قرارداد موفق حفاری چاه عمیق و نیمه عمیق در استان البرز-تهران باارائه صورتجلسه تحویل عمده -ارائه گواهی رضایت و تایید یه از سازمان آب منطقه ای استان البرز -تهران

ب- محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات:محل دریافت اسناد امور پیمانها و قبول پیشنهادات دبیرخانه سازمان پارکهامیباشد.

ج- شماره حساب:متقاضیان می بایست بابت شرکت در مناقصه مبادرت به ارائه ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱/۱۴۷/۵۰۰/۰۰۰ریال یا اصل فیش واریزی بشماره حساب ۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۲۱بانک شهرشعبه عظیمیه ۴۵متری کاج به نام شهرداری کرج اقدام نمایند.

د-مهلت ارائه اسناد :حداکثر ۱۰روزکاری از تاریخ درج آگهی و تاریخ بازگشایی پاکات اولین یک شنبه پس از عودت اسناد میباشد.

ه - حداکثر مبلغ ۴۰٪از کل رقم قرارداد بصورت نقدی وحداقل ۶۰٪دیگرآن بصورت تهاتر با ملک (درسطح مناطق دوازدهگانه شهرداری کرج)محاسبه واز صورت وضعیت پرداختی کسر میگردد.

و- خرید اسناد:مبلغ۲۰۰/۰۰۰ریال به حساب شماره ۱۰۰۱۰۰۱۰۰۲۶۱بانک شهر شعبه عظیمیه ۴۵متری کاج به نام شهرداری کرج واریز و اصل فیش واریزی را همراه با معرفی نامه ممهور به مهر شرکت ارائه نمایند.(با همراه داشتن کارت اعتباری امکان واریز وجه در محل نیز وجود دارد)همراه داشتن مهر شرکت جهت دریافت اسناد الزامی است. هزینه درج دو آگهی توامان به عهده برنده مناقصه میباشد.

روابط عمومی سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری کرج

Park.Karaj.ir